

«همدلی» فعالیت سامانه انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات را ارزیابی کرد

گریز از شفافیت

گفت‌وگو با مصطفی اقلیما در خصوص نقد سرعت علمی:

ما اساتید تقلبی هستیم

نشست اضطراری شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی برگزار شد

طنز آمریکایی

بعد از اعلام حکم دادگاه:

نامه محمدرضا خاتمی به سران قوا درباره انتخابات ۸۸

همدلی وضعیت مصرف پلاستیک در ایران به مناسبت ۲۱ تیرماه «روز بدون پلاستیک» بررسی می‌کند

ایران پیشرو در مصرف پلاستیک

«قانونگذاران چشم و گوش خود را گرفته تا با واقعیت تلخ موجود روبه‌رو نشوند و فعالیت‌ها و اقدامات سازمان‌های مربوطه نیز در اقدامات پیش پا افتاده‌ای خلاصه شده است که نمی‌توان برای کنترل وضع موجود به آن دل بست

یادداشتی از دکتر ساسان کریمی

قلب واقع

عبدالله ناصری در گفت‌وگو با همدلی:

بودجه گانده خارج از صدا و سیما بود



آنچه از گانده دستگیرمان شد:

عملیات صدا و سیما علیه دولت و روزنامه‌نگاران

۳ یادداشت

قلب واقع

روش پیروز شود نه هیچگاه افتاده و نه در درازمدت می‌افتد. اتفاقاً باید باور کرد که کار اطلاعاتی-امنیتی نیز امری تخصصی است و آموزه‌های آن از چند توصیه و پسند و اندرز فراتر. در تاریخ خود ما هم اگر خوب بگردیم توفیقات نتیجه روش و عملکرد مبتنی بر دانش و تجربه درخور بوده‌اند و نه برخوردی امری موری.

مهم‌ترین گاف عملیاتی که تناقض فاش میان حرفه‌ای‌گری و تازه‌کار بودن را آشکار می‌کند نحوه دستگیری مهمترین سوزه داستان یعنی مایکل هاشمیان بود: جاسوس حرفه‌ای که برای هر دو دولت ایران و آمریکا دارای اهمیت راهبردی و مدت‌ها در تور اطلاعاتی است را وقتی قرار بر عملیات دستگیری بود، صرفاً با تصمیمی لحظه‌ای و توسط دو نفر از تیم اصلی و شامل شخص اول فیلم و به طور کاملاً اولیه دستگیری می‌کنند. در حالی که یا دیگر نهادهای مشابه به غایت سریع و قاطع عمل می‌کنند و ابتکار عمل در تمام ابعاد را در دست می‌گیرند. نه اینکه مساله البته این لزوماً به علت جذابیت‌های دراماتیک یا اشکال در فیلمنامه نیست، بلکه مجموعه اصرار داشت که روش در عملکرد نیروهای مورد تاییدش خودساخته و مبتنی بر هر آن شکلی است که خود صلاح دیده‌اند و البته که موفق. و هیچ نیازی نیست که نیروها از آموزش‌ها و روش‌ها، تجهیزات و آرایش کلاسک در این زمینه بهره‌برند. گوی معادلات ایشان دیگر است و به این تفاوت باید افتخار کرد.

ادامه در صفحه ۲

۲ یادداشت

تلاش‌های دیپلماتیک پاریس در حفظ برجام

امانوئل مکران رئیس جمهور فرانسه مشاور ارشد خود را به تهران فرستاده است تا درباره مناقشه تهران-اروپا بر سر برجام با مقامات تهران رایزنی و تبادل نظر کند. در نگاه نخست این نقش‌آفرینی پاریس، حاصل تعلل اروپا در تعهدات برجامی و مشخصاً تعلل در راه‌اندازی کانال مالی یا همان اینستکس و سپس قرار گرفتن ایران در مسیر کاهش تعهدات برجامی است. البته آنگونه که پیداست، رفتارهای سینوسی و پاندولی اروپا در این میان علت‌المعلل مناقشه جدید در برجام است و رفتار تهران در فرار گرفتن در مسیر تعهدات برجامی، واکنش و بازتاب طبیعی آن است. حال و از آنجایی که مناقشات فرآینده موجود در برجام به نفع هیچ یک از طرفین نیست، الیزه با ابتکار عمل ماکرون و مشاور ارشدش در کاهش مناقشه تهران-اروپا و سپس کاهش تنش در روابط تهران-واشنگتن نقش‌آفرینی می‌کند. آنگونه که از سوابق دیپلماتی سازنده پاریس در حل مناقشات نظام بین‌الملل پیداست، پاریس نقش سازنده خود در حل مناقشه منطقه غرب آسیا و مشخصاً برجام را به سه دلیل انجام می‌دهد. اول آنکه پاریس در تروئیکای متشکل از لندن و برلین، روابط بهتری با تهران دارد، به گونه‌ای که این روابط در مناسبات سپاس‌جام فصل نوبتی را در روابط دو کشور رقم زده است. در این ارتباط گفته شده است که پاریس می‌خواهد سهم بیشتری از کیک اقتصاد ایران در سپاس‌جام داشته و در رقابت با سایر کشورهای اروپایی نمی‌خواهد در انتهای لیست شرکای تجاری تهران باشد. دلیل دوم نقش‌آفرینی پاریس در راستای پارادایم گلیستی حاکم بر سیاست خارجی این کشور است، به این معنی که پاریس در میان کشورهای اروپایی سیاست یکدست، منسجم و مستقل تری در سیاست خارجی دارد و در تصمیمات و مواضع اعلامی و اعمالی خود، هیچگاه تابع واشنگتن نبوده و نیست و خود را مقید به سازگارهای سیاست خارجی قدرت‌های هژمون نمی‌کند. البته سیاست گلیستی فقط در زمان نیکلاس سارکوزی توانست از معیار خود عدول کند و بعد از سارکوزی سیاست خارجی فرانسه در چرخشی معنادار و در دایرت اولاند و مکران به رویکردهای گلیستی بازگشت کرده است. دلیل سوم نقش‌آفرینی پاریس در ارتباط با ضرورت تنش‌های واسطه‌ای در کاهش تنش تهران-واشنگتن در مناقشات منطقه غرب آسیاست، به این معنی که این تنش‌ها و منازعات فرآینده به منظور ثبات و سامان سیاسی در این منطقه کاسته شود. در این ارتباط اگر چه مأموریت امانوئل بن مشاور ارشد دیپلماتیک مکران بابت مناقشه برجام تعبیه و تنظیم شده است، اما نیم نگاهی هم به مناقشه تهران-واشنگتن دارد، با این هدف که شاید زمینه برای یک مذاکره فراهم شود. در میان دلیلی که برای نقش‌آفرینی پاریس در مأموریت امانوئل بن به تهران بر شمرده شده است، دلیل اول کلیدی تر است و الیزه به خوبی می‌داند که برای بقای برجام صرف متقاعد کردن ایران در امتناع از کاهش تعهدات برجامی، چاره‌ساز و کافی نیست، بلکه اروپا نیز باید همه تعهدات خود را نظیر راه‌اندازی اینستکس در قبال تهران به خوبی به انجام برساند. قراین و شواهد نشان می‌دهند که هر گونه حصول نتیجه در این مأموریت تابعی از تعهدات اروپاست و تهران دیگر تمایل ندارد که در راستای تعهدات خود در برجام، امتیاز بیشتری به اروپا بدهد. در این ارتباط اگر الیزه بتواند سایر شرکای اروپایی برجام را در تعهدات برجامی نظیر سازگارهای مالی و همچنین خروج از رفتارهای سینوسی متقاعد کند، طبیعی است که ما بتوانیم شاهد انعطاف و نرمش رفتار تهران در خواسته‌های اروپا باشیم. این وضعیت به معنای شروع فصل جدیدی در حیات برجام خواهد بود. اما اگر اروپا بخواهد به صرف منافع واشنگتن و سایر شرکای اروپایی برجام با مقامات تهران چانه‌زنی کند، طبیعی است که این وضعیت به معنای پایان برجام و شکست دسته‌جمعی در به انجام رساندن این توافق خواهد بود. حال و در شرایطی که پاریس مایل نیست که چنین اتفاقی رخ دهد و از طرف دیگر تمایلی هم که ندارد که ایران را در مسیر اجرای مکانیسم ماشه قدرت‌های جهانی قرار دهد، به طرق مختلف می‌کوشد که از مرگ برجام جلوگیری کند، با این هدف که کمکی به پروژه صلح و تنش‌زدایی کرده باشد.

۱ یادداشت

موازی کاری ریشه در قاجار به دارد

حالا این سؤال مطرح می‌شود که روند غلطی که به‌هم دلیل به‌آن اصرار داریم، چه پیامدهایی دارد که در این رابطه می‌توان گفت، حداقل پیامد آن «هدر رفتن سرمایه‌های انسانی و اقتصادی» است. در واقع جامعه ایران به‌سوء اقیانوسی می‌ماند که فقط به‌حد یک بند انگشت عمق دارد که به دلیل فقدان هم‌افزایی و تقسیم‌کار و ارداتی به‌نام مشروطه در ایران رخ داد و چون با پایدها و بنیادهای تکنولوژی آشنایی نداشتیم، نظام مشروطه به دیکتاتوری پهلوی‌ها منجر شد که آن هم به‌دلیل ضعف کارکرد، کارایی لازم را نداشت که نتیجه‌اش رویش انقلاب اسلامی شد. پس از استقرار جمهوری اسلامی هم تغییری نکردیم و در نتیجه نتوانستیم، کشور را بر اساس مختصات تکنولوژی نوبن ارائه کنیم. شاید این سوال پیش آید که چرا این چنین عقب‌ماندگی‌ای چیست که در پاسخ باید گفت، بعد از انقلاب چهره‌هایی روی کار آمدند که با همان تفکر دوره قاجار به سنتی و البته با یکسری از شعارها و آرمان‌های اسلامی فعالیت می‌کردند. یعنی ما بعد از انقلاب با مطرح کردن نمادهای اسلامی-اخلاقی امور را پیش بردیم و از این غفلت کردیم که جامعه، با همان شکل و شمایل سنتی اداره می‌شود که نتیجه‌اش این شد که بعد از ۴۰ سال هنوز هم در حال در جازدن هستیم. آن‌هم در شرایطی که پس از انقلاب سه ایده‌آل را طرح کردیم. اول ایده‌آل‌های لیبرالیستی، دومانیستی که طرفدار تفکر لیبرالیستی را مهم می‌دانست و بحث آزادی و فردگرایی را پیگیری می‌کرد. همچنین نیروهای چپ ایده‌آل‌های مارکسیستی را جدی می‌گرفتند و همچنین گروهی هم ارزش‌های صدر اسلام را تبلیغ می‌کردند. این سه گفتمان در شرایطی در دستور کار قرار گرفته شده بودند که جامعه ما جامعه‌ای سنتی بود و همچنان هست و به‌همین دلیل نه تربیت اسلامی، نه تربیت لیبرال غربی و نه تربیت مارکسیستی داشت و همچنین کسانی را روی کار می‌دید که از فرهنگ روستایی تبعیت می‌کردند که همین باعث شد تا امور به‌طور موازی پیگیری شوند و همین موجب شد تا نظام ما نظامی باشد که نه مدرن است و نه اسلامی، چون در قانون اسلام شما با پدیده‌هایی چون رانت، اختلاس، تملق و... که در کشور اغلب ما جاری و ساری هستند، به‌هیچ وجه روبه‌رو نمی‌شوید. موضوع این است که در نظام ما ساختارهای کپی شده مورد توجه قرار گرفته می‌شوند که ریشه در شعار اسلامی، هم از قواعد غرب و هم از ساختار مورد توجه سوسیالیست دارند. این شرایط در حالی است که کشورها، یا باید یک جامع‌پذیری و ارداتی را مدنظر قرار بدهند، یعنی یک گفتمان و روش مدیریتی از خارج تحمیل شود، مثل حالتی که آلمان‌ها پس از جنگ جهانی دوم تجربه کردند و منتقدین به‌جز بیات این کشور روود پیدا کرده و نه اسلامی، چون در دست‌خوش تغییرهایی کردند تا آلمان شبیه دیگر کشورهای اروپایی شود. مساله، اما این است که ایرانی‌ها همیشه نسبت به ورود بیگانه‌ها از خود مقاومت نشان می‌دهند و با تکیه بر تمدن چندین هزارساله امکان ورود خارجی‌ها را به‌صفر می‌رسانند. یا اینکه در داخل کشور یک معجزه‌ای رخ بدهد و اتفاقی عجیب‌وغریب بیفتد تا فرهنگ ما به‌کل تغییر کند تا بلکه فرهنگ‌سازی‌ای غیرسنتی صورت بگیرد تا هم روحانیون، هم روشنفکران و هم سیاسیون تصمیم به‌این بگیرند تا اقتدارگرایی را پس بزنند تا از این طریق شاهد کاهش فساد سیستماتیک باشیم و روند بسیار معیوب فعلی ترمیم پیدا کند. «مهم»ی که روند دو قرن گذشته ایران نشان می‌دهد، نمی‌توانیم به سرانجامش امید داشته باشیم.

اصلاحیه

بند (و) آگهی مناطق نفت خیز جنوب با شماره مناقصه م/م/۹۸/۰۰۱۹ مورخ دهم و یازدهم تیرماه نشر به همدلی به شرح ذیل تصحیح می‌گردد.

و- محل زمان تحویل و گشایش پیشنهادها

متقاضیان مکلفند پیشنهادات خود را حداکثر تا ساعت ۱۳:۰۰ روز یکشنبه مورخ ۱۳۹۸/۰۵/۲۷ به دفتر کمیسیون مناقصات در اهواز، کوی فدائیان اسلام خیابان نفت ساختمان پنج طبقه بلوک ۱ طبقه دوم اتاق ج ۲۵۱ تسلیم نمایند. ضمناً پیشنهادات در ساعت ۰۸:۰۰ روز دوشنبه مورخ ۱۳۹۸/۰۵/۲۸ گشایش و قرأت خواهد شد و حضور نماینده مناقصه‌گران با معرفی نامه و کارت شناسایی معتبر بلامانع است.